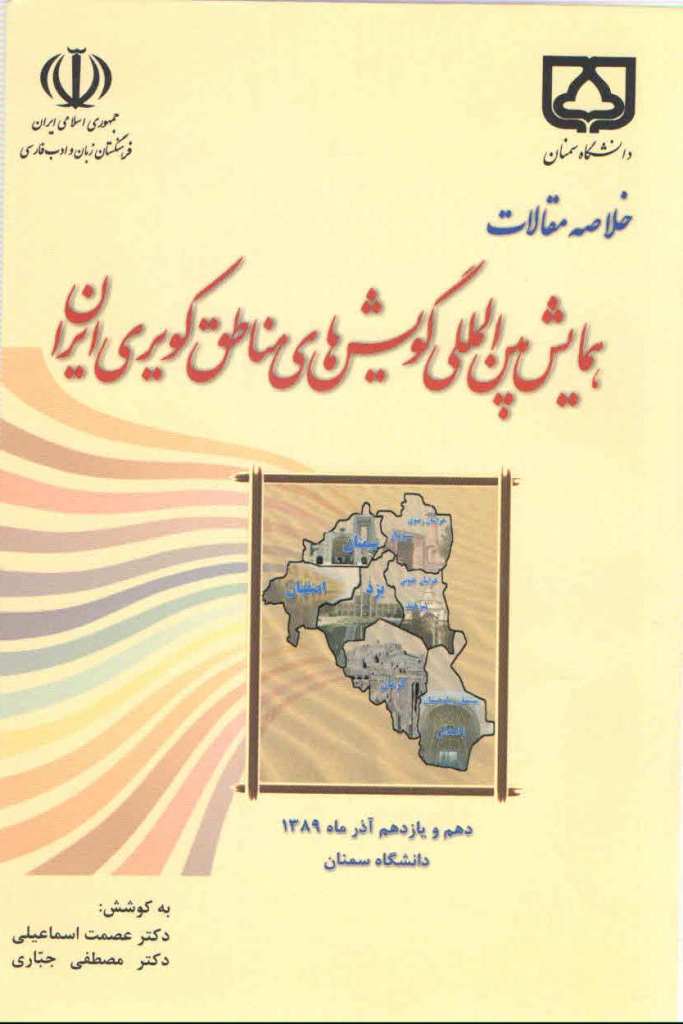
****

****

**اطلس زبانی منطقه حد فاصل شهر تربت جام و شهر مشهد**

**(بر پایه *اطلس زبانی انگلستان*)**

**دکتر محمود الیاسی1**

استادیار دانشگاه تربیت معلم سبزوار

1. mah\_elyasi@yahoo.co.uk

**1- مقدمه**

شهرستان تربت جام در جنوب شرقی شهرستان مشهد و بر سر راه مشهد به هرات واقع است. این شهرستان از مشرق به هریرود و افغانستان، از مغرب به بخش فریمان، از شمال به بخش جنت آباد، و از جنوب به کوههای حد فاصل شهرستان تربت جام و تربت حیدریه محدود می شود. فاصله این شهر تا مشهد در حدود 160 کیلومتر می باشد. طول جلگه جام شرقی-غربی است وهوای آن کمی گرمتر از جلگه مشهد است. دشت جام از طرف تایباد و خواف دارای بادهای موسمی گرمی است. (مولوی، 1354، ص 1)

گویشهای این منطقه شباهتهای زیادی به گویشهای فارسی رایج در شمال خراسان (مشهدی وقوچانی) دارد. هدف از انجام این تحقیق بررسی گسترش جغرافیایی 100 صورت زبانی در منطقه حد فاصل شهر تربت جام وشهر مشهد وتهیه اطلس زبانی منطقه بوده است. به این طریق چگونگی توزیع جغرافیایی برخی مشخصه های زبانی مهم (آوایی، واژگانی، صرفی، و نحوی) و تغییرات صورت گرفته این صورتها از دوره فارسی میانه به نمایش گذاشته شده است.

همان گونه که از عنوان مقاله بر می آید روش مورد استفاده همان روش به کار گرفته شده در تدوین *اطلس زبانی انگلستان* می باشد. ترسیم این اطلس زبانی را می توان به عنوان گامی مقدماتی در راستای تهیه یک اطلس زبانی جامع برای گونه های فارسی رایج در خراسان و ایران و نهایتا برای تمام مناطق فارسی زبان خواهد بود.

**2- سؤالهای تحقیق**

آیا آن چنان که در رویکرد سنتی به گویش شناسی تصور می رود گونه های زبانی رایج در منطقه تربت جام گونه کاملا واحدی را به نمایش می گذارند؟

**3- فرضیه های تحقیق**

بر خلاف آنچه که در رویکرد سنتی به گویش شناسی تصور می رود گونه های زبانی رایج در منطقه تربت جام گونه کاملا واحدی را به نمایش نمی گذارند.

**4- گویش شناسی جغرافیایی**

زبانها معمولا پدیده هایی یکپارچه نیستند و اصولا شاید کمتر زبانی را بتوان یافت که دارای گوناگونی درونی نباشد. هر زبان دارای گونه های فردی، جغرافیایی و اجتماعی متفاوتی است که به وسیله افراد و گروههای اجتماعی گوناگون در مناطق جغرافیایی مختلف در موقعیتهای اجتماعی متفاوت به کار گرفته می شود. بنابراین رفتار زبانی سخنگویان یک زبان به لحاظ ویژگیهای فردی و گروهی از یکدیگر متفاوت است. (مدرسی، 1368، ص14) گویش شناسی جغرافیایی حوزه ای از گویش شناسی که با توزیع ناحیه ای گونه های زبانی و عناصر خاص آنها ارتباط پیدا می کند. (جهانگیری، 1365، ص 379) در این تحقیق گویش جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است.

در این تحقیق گویش جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا لازم است تعریفی از گویش ارایه کنیم. در بین مردم عامی و تحصیل نکرده، گویش عبارت است از زبانی که فاقد متون نوشتاری باشد و به عنوان نوعی انحراف شدید از هنجار یعنی گونه استاندارد تلقی می گردد. (چمبرز و ترادگیل، ص 3) برداشتی دقیقتر و فنی تر آن است که گویش ها را صورتهای مختلف زبانی واحد بدانیم؛ صورتی که از نظر دستوری و واجی (و شاید واژگانی) متفاوت از دیگر صورت ها باشد. (پتیت، 1980، ص 11) با توجه به طیفی بودن تفاوتهای میان گونه های زبانی، حتی نمی توان مرز مشخصی میان زبان و گویش در نظر گرفت. از سوی دیگر، زبان به هیچ وجه یک مفهوم خاص زبانی. نیست، هرچند عوامل زبانی در این عمل دخیل اند.

در اینجا از به کار بردن برچسبهایی چون گویش و لهجه پرهیز می شود چرا که ما با طیف گویشی روبرو هستیم و در عمل نمی توان مشخص ساخت که یک گونه زبانی از کجا آغاز و به کجا ختم می شود. از این رو، در این روش اطلس مربوط به گویش خاصی معرفی نمی شود، بلکه مشخص می گردد که در یک مقطع زمانی معین، یک صورت زبانی خاص در گونه فارسی مربوط به افراد تحصیلکرده تهرانی که خود بازمانده یک صورت فارسی میانه است، در گفتار سخنگویانی خاص به چه صورت مشاهده می شود. به دیگر سخن، با مراجعه به این نقشه ها – مثلا آوایی یا واژگانی – می توان پی برد که یک صورت زبانی از دوره فارسی میانه چه تغییراتی را به خود دیده است، نسبت به معادل خود در گونه فارسی مربوط به افراد تحصیلکرده تهرانی چه وضعیتی دارد، و توزیع جغرافیایی آن به چه گونه ای است.

زبان شناسان از زبان استاندارد یا معیارنیز توصیفها و تعاریف مختلفی به دست داده اند. از دیدگاه گاروین و ماتیو، گونه استاندارد یک گونه مدون و تثبیت شده زبان است که از سوی بخش قابل ملاحظه ای از یک جامعه زبانی به عنوان الگو پذیرفته شده و به کار گرفته می شود و ویژگیهای مشخصی را به طور نسبی داراست. این ویژگیها مجوعه ای از خصوصیا ت ساختاری، نقشها و نگرشها را تشکیل می دهند که می توان آنها را به طور کلی به متغیرهای زبانی (ویژگیهای ساختاری) و متغیرهای غیرزبانی (نقشها و نگرشها) تقسیم کرد. (مدرسی، 1368، ص 233-234)

با توجه به طیفی بودن تفاوتهای میان گونه های زبانی، حتی نمی توان مرز مشخصی میان زبان و گویش در نظر گرفت. از سوی دیگر، زبان به هیچ وجه یک مفهوم خاص زبانی. نیست، هرچند عوامل زبانی در این عمل دخیل اند. هادسون (1980، ص 32) زبان را دارای اعتباری (prestige) می داند که گویش فاقد آن است.

در این مورد اصطلاح "گونه" (variety) اصطلاحی خنثی برای اشاره به هر نوع خاصی از زبان است که می توان با هر هدفی آن را به کار گرفت. (ترادگیل، 1984، ص 20) برخی از زبان شناسان نیز اصطلاح گونه را در مورد آن دسته از نظامهای زبانی به کار برده اند که دارای وجوه اشتراک بسیار و تفاوتهای کمی هستند و امر تفهیم و تفاهم میان سخنگویان آنها به طور کامل و بدون هیچ مشکل عمده ای امکان پذیر است.

از این رو، در این روش اطلس مربوط به گویش خاصی معرفی نمی شود، بلکه مشخص می گردد که در یک مقطع زمانی معین، یک صورت زبانی خاص در گونه فارسی مربوط به افراد تحصیلکرده تهرانی که خود بازمانده یک صورت فارسی میانه است، در گفتار سخنگویانی خاص به چه صورت مشاهده می شود. به دیگر سخن، با مراجعه به این نقشه ها – مثلا آوایی یا واژگانی – می توان پی برد که یک صورت زبانی از دوره فارسی میانه چه تغییراتی را به خود دیده است، نسبت به معادل خود در گونه فارسی مربوط به افراد تحصیلکرده تهرانی چه وضعیتی دارد، و توزیع جغرافیایی آن به چه گونه ای است.

استفاده از رویکرد طیفی به توزیع صورتهای زبانی را می توان از مهمترین مزیتهای این روش دانست. باید توجه داشت که تغییر زبان – چه بر روی محور زمان وچه برروی محور مکان – حالتی طیفی دارد و ما با تغییراتی جزئی از یک گونه زبانی به گونه زبانی دیگر می رسیم و از این منظر شاید استفاده از عباراتی چون " گویش سمنانی" و غیره چندان دقیق و علمی نباشد. از رهگذر این شیوه گردآوری داده ها به حجم بالایی از صورتهای زبانی خواهیم رسید که این ذخایر به غنا و تنوع بخشیدن به صورتهای زبانی موجود کمک می کند. لازم به ذکر است که می توان با وارد کردن بسیاری از واژه های گویشی در زبان فارسی رسمی برخی خلاهای واژگانی را پر کرد، چرا که در بسیاری از موارد در مقایسه با صورتهای زبانی موجود مربوط به یک طیف معنایی خاص، بار معنایی دقیقتری را در خود دارند.

**5- ادبیات تحقیق**

بیشتر پژوهشهای انجام شده در این زمینه در گذشته بر اصول علمی مبتنی نیستند. در این مورد می توان به توصیفهای مندرج در سفرنامه ها و کتابهای مربوط به جغرافیای تاریخی منطقه جستجو کرد. در آثار جدیدتر نیز توصیف زبان هر منطقه بیشتر جزو فولکور آن منطقه در نظر گرفته شده است؛ این گونه توصیفها نیز بسیار کلی، ناقص و عمدتا غیر علمی اند و از یکدستی و دقت کافی برخوردار نیستند.

در دهه های اخیر با مطرح شدن زبان شناسی، جدید توصیفهای زیادی از گونه های زبانی به عمل آمده است و همان گونه که پیشتر اشاره رفت، در این پژوهشها عمدتا از اصول ساختگرایی – مثلا استفاده از روش جانشینی و جفتهای کمینه برای شناسایی و استخراج واجها - استفاده شده است. این رشته آثار مجموعه با ارزشی را در دهه های اخیر در زمینه توصیف گونه های زبان فارسی فراهم آورده است و از رهگذر آن توده انبوهی از صورتهای زبانی به ثبت رسیده است.یکی از این تحقیقات انجام شده معرفی گویش تربت جام در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان "بررسی و توصیف گویش جام" می باشد. (شفیعی، 1367)

در مورد به کارگیری روش استفاده از نقشه در توصیف گونه های زبانی فارسی تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، عمده ترین کار توسط فرهنگستان زبان ایران در فاصله سالهای 7-1353 به انجام رسیده است که دو شماره از این مجموعه به شهرستانهای اردستان و اصفهان مربوط می شود به ترتیب در سالهای 1362 و 1367 از سوی مرکز مردم- شناسی و سازمان میراث فرهنگی کشور منتشر شده است، و قرار است، در این مرحله از کار تنها نقشه های لهجه ها و گویشهای شهرستانها با تعیین امکان یا عدم امکان تفهیم و تفاهم متقابل سخنگویان به ترتیب حروف الفبا منتشر شود. هدف از این طرح شناسایی لهجه های ایرانی و گویشها و گونه های زبان فارسی در محدوده جغرافیایی ایران و مشخص کردن رابطه میان این لهجه ها و گویشها از نقطه نظر امکان یا عدم امکان تفهیم و تفاهم سخنگویان آنان با هم، و بالاخره تهیه اطلس لهجه شناسی ایران بوده است. تا آغاز مهرماه 1357 از زبان بیش از شانزده هزار روستاها به صورت نوار ریل یا کاست نمونه برداری شده است. این روستاها در استانها و مناطق اصفهان، ایلام و پشتکوه، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان، خوزستان، استان ساحلی، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمانشاهان، استان مرکزی و یزد واقع اند.

شیوه این تحقیق مبتنی بر پرسیدن 105 واژه و 36 جمله از گویشوران و به دست آوردن معادلهای آنها در لهجه یا گویش آنان است. تهیه کنندگان پس از به دست آمدن معادلهای این واژه ها و گویشها یکی از وجوه تفاوت و تشابه را که تقریبا در تمامی لهجه ها و گویشها به کار رفته مبنای ترسیم نقشه ای قرار داده که آن را "نقشه شناسایی گویش ها" نامیده اند. در اینجا برای پی بردن به ساخت لهجه ها، بررسی کنندگان چیزی جز همان 105 واژه و 36 جمله در دست نداشته اند، اما برای دریافتن امکان یا عدم امکان تفهیم و تفاهم متقابل میان اهالی روستاهای مجاور ناچار در این باره از روستاییان سوال می کره و پاسخهای آنان را به دو صورت آری و نه، با ترسیم دو نوع پیکان، پیکان ممتد و پیکان نقطه چین، میان جای این روستاها در نقشه منعکس می کرده اند. برای نشان دادن این تشابهات و اختلافات لهجه ها و گویشها، پژوهشگران شیوه ترسیم ایزوگلوس یا "خط مرز زبانی" را در نظر گرفته بودند. (صادقی، 1364، ص103-104)

تنظیم کنندگان هر شهر را به بخشها و هر بخش را به دهستانهای تابع آن تقسیم کرده اند اما مبنای تهیه نقشه ها را دهستانها قرار داده اند، ابتدا نام روستاهای هردهستان را که بررسی شده به ترتیب و با ذکر شماره در جدولی نقل کرده اند. سپس برای هر روستا دو نقشه به دست داده اند. در نقشه اول روستاهای هر دهستان را با یک دایره مشخص کرده اند و روستاهایی راکه بررسی شده با ذکر شماره به ترتیب آنها در میان دایره از روستاهای بررسی نشده متمایز ساخته اند. این نقشه ها برای نشان دادن تفهیم و تفاهم متقابل سخنگویان روستاهاست. به همین سبب روستاهایی را که دارای لهجه یا گویش مشابه اند با پیکان ممتد و روستاهایی را که به لهجه های متفاوت سخن می گویند با پیکان نقطه چین به هم وصل کرده اند. در نقشه دوم که به تعیین نوع لهجه یا گویش روستاها اختصاص یافته، محل روستاها را با یکی از حروف لاتین و با ذکر شماره روستا مشخص کرده و در پایین صفحه معنی این حروف را به دست داده اند – مثلا Z برای گویشهای فارسی محلی و X برای گویشهای ناشناخته انتخاب شده است. در این نقشه آن تعداد از روستاهایی که از زبان آنها نمونه برداری شده و نیز روستاهایی که از زبان آنها نمونه برداری شده و نیز روستاهای دو زبانه با علامت مشخص شده اند.   
اما دفتر دوم با آنکه با همان روش قبلی تهیه شده، تفاوتی نیز با آن دارد و آن اینکه در اینجا از هر دهستان یک تا چهار آبادی را برگزیده و معادلهای 19 واژه و دو جمله را در زبان این آبادی به دست داده اند. علاوه بر آن شمار خانواده های آبادی، نام گویش، تاریخ گردآوری، نام گویشور، نام گردآورنده و بعضی اطلاعات مختصر دیگر را درباره این آبادی مشخص کرده اند. این واژه ها و جمله ها بدین قرارند: پدر، مادر، برادر، خواهر، پسر، دختر، زن، مرد/شوهر، داماد، باد، چشم، دهان، مرغ، سگ، گرگ، برف، اجاق، نماز، هیزم. من تو را دیدم. او رفته بود نان بخرد.  
همان گونه که از واژه های دفتر دوم بر می آید، این واژه ها بیشتر بر اساس موضوعی تنظیم شده و بیشتر شامل عنوان اعضای خانواده و نام خیواتات است و در انتخاب آنها هیچ متغیر خاصی – مثلا آوایی – در نظر گرفته نشده است؛ از طرف دیگر چون تعداد این واژه ها محدود است، نقشه های به دست آمده تصویر کاملی از گونه های زبانی مناطق مختلف را به دست نمی دهد.

**6- روش تحقیق**

**1-6 گزینش گویشوران**

در مورد انتخاب گویشوران، برخلاف آنچه که در تدوین *اطلس زبانی انگلستان* دنبال شده است، بیشتر به گزینش اعضای نسبتا جوانتر- عمدتا سنین بین 10 تا 20 سال – که هم خود و هم والدینشان ترجیحا بومی محل بودند، گرایش نشان داده شده است، چرا که در این پژوهش، هدف رسیدن به محافظه کارترین صورت زبانی که معمولا خاص اعضای مسن تر جوامع روستایی است، نبوده است. از این رو، تمام گویشوران را افراد باسواد تشکیل می دهند، هرچند باید گفت که در تکمیل پرسشنامه از گویشوران خواسته شده است تا آن صورتهای زبانیی را به کار برند که درخانواده خود و مثلا در گفتگو با والدین خود استفاده می کنند و از به کارگیری صورتهای مورد استفاده در کلاسهای درس و گفتگو با معلمان خود بپرهیزند. با توجه به اینکه در اکثر موارد علاوه بر گویشور اصلی حداقل چند گویشور دیگر که تقریبا همین گویشور اصلی بودند، درکنار وی حضور داشتند، در مواردی که گویشور اصلی از اصول فوق عدول می کرد و تحت تاثیر گونه زبانی مورد استفاده در مدرسه یا رسانه های گروهی قرار می گرفت، آنان گفته وی را تصحیح - می کردند. در بسیاری موارد حتی افراد بالای 40 سال نیز در محل حضور داشتند. نکته جالب اینکه شاید به خاطر بسته بودن محیط روستاهای منطقه مورد بحث و عدم دسترسی کامل به رسانه های گروهی در اکثر موارد میان گونه زبانی مورد استفاده گویشوران – که اکثر آنها را افراد زیر 20 سال تشکیل می دادند – و گونه زبانیی که بزرگسالان به کار می بردند، تفاوت چندانی مشاهده نمی شد. از دیگر علل این امر باید تماسهای محدود اهالی اکثر این نقاط با شهرهای مجاور – بویژه با شهر مشهد – نام برد. در عین حال نباید از یاد برد که گسترش نهادهای آموزشی دولتی و گسترش حوزه پوشش رسانه های گروهی و بهبود کیفی راه های ارتباطی ثبات لهجه ای را در این نقاط تضعیف خواهد کرد و به نظر می رسد که روز بروز گونه های زبانی این منطقه به یکدیگر نزدیکتر شوند. از استفاده از گویشوران زن، به دو علت،یکی به دلیل محدودیتهای موجود و دیگر از آن جهت که آنان معمولا به کاربرد گونه های شبه استاندارد گرایش دارند – این مطلب در دو نقطه از نقاط مورد تحقیق به اثبات رسید – صرف نظر شد.

**2-6 پرسشنامه**

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از یک پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه به نحوی تنظیم شده بود تا بتواند اطلاعاتی را در مورد مشخصه های آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی به دست دهد. پرسشنامه از 100 سؤال تشکیل شده که از این تعداد 65 مورد آوایی، 13مورد واژگانی، 19 مورد صرفی، و 3 مورد نحوی است. تا حد امکان سعی گردید تا آن صورتهای زبانیی انتخاب شوند که در گفتار مربوط به زندگی روزمره اهالی این منطقه دیده می شوند. پاسخهای ارائه شده پس از کنترل و مقابله با سؤالات پرسشنامه به صورت نهایی آوانویسی شده اند.

کار پژوهش در 25 نقطه در حد فاصل شهر تربت جام و شهر مشهد صورت گرفت. از 25 نقطه فوق، 6 نقطه به بخش احمدآباد از شهرستان مشهد، 9 نقطه به بخش فریمان از شهرستان مشهد و 10 نقطه نیز به بخش مرکزی شهرستان تربت جام مربوط می شدند. انتخاب نقاط بر اساس تلفیقی از ویژگیهای جغرافیایی و جمعیتی استوار بود. فاصله بین نقاط حدود 10 کیلومتر است که از این نظر در مقایسه با *اطلس زبانی انگلستان* که حداقل فاصله نقاط مورد تحقیق آن 15 کیلومتر در نظر گرفته شده ونیز با توجه به تراکم جمعیتی کمتر در این منطقه در مقایسه با کشور انگلستان، اعتبار اطلاعات به دست آمده را بیشتر می کند. از 3 مورد استثنا که بگذریم – یک نقطه در شهر تربت جام ودو نقطه در شهر فریمان – در موارد دیگر روستاهای حدودا 300 تا 500 نفره که عمدتا دارای بافت کشاورزی هستند، انتخاب شده اند.

**3-6 تنظیم داده ها وترسیم نقشه ها**

در مرحله نهایی، پس از آنکه کار پژوهش به پایان رسید توزیع هریک از اقلام پرسشنامه بر روی نقشه مستقل به نمایش در آمد. صورتهای زبانی آوانویسی شده نیز برطبق شبکه نقاط در تحقیق وارد شد به نحوی که خواننده می تواند توزیع هر یک از اقلام را نقطه به نقطه در روی نقشه گویش شناسی دنبال کند. مجموعه ای از نقشه های گویش شناسی یک اطلس گویشی یا اطلس زبانی را تشکیل می دهند. در برخی از نقشه های گویشی، خطوطی ترسیم می شود که نشان دهنده مرزهای مربوط به کاربردهای مختلف هستند. این خطوط به خط مرزهای زبانی (isogloss) موسوم اند. از انطباق چند خط مرز زبانی بر یکدیگر، خط مرز زبانی مجتمع (bundle) به وجود می آید. پس از تعیین خط مرزهای زبانی، در تحلیل و بررسی آنها هیچ گونه خط مرز زبانی مجتمع مشخصی در این منطقه به دست نیامد، اما احتمال دارد با گسترده تر کردن منطقه مورد تحقیق و یا افزایش صورتهای زبانی بتوان به چنین خط مرز زبانی مجتمعی دست یافت.

همان گونه که ذکر شد پرسشنامه مربوط به بررسی گویش های این منطقه با دو هدف به هم پیوسته طرح ریزی گردید. اول آنکه این پرسشنامه باید اطلاعاتی را در مورد کاربردهای لهجه ای جاری اعضای نسبتا جوانتر جوامع کشاورزی، در این منطقه عمدتا روستایی به دست دهد و ثانیا این اطلاعات پس از آنکه به صورت نقشه در آمدند، باید وضعیت توزیع جغرافیایی آن مشخصه هایی اززبان را که از زمان گذشته باقی مانده اند، به نمایش بگذارند. در تدوین مطالب سعی بر این بوده است تا با اشاره به موادی که به طور تصادفی به دست آمده اند (موارد جنبی) و نیز کلیه مواد گردآوری شده، داده ها به صورتی جامع و کامل ارائه شوند تا بدان وسیله که بتوان از نتایج ارائه شده به طور مستقیم به عنوان مبنایی برای ترسیم نقشه ها بهره برد. درعین حال گفت که اغلب پاسخهای مربوط به هرسوال آن چنان متنوع اند که نمی توان آنها را به نحوی جامع بر روی نقشه ای منفرد به نمایش در آورد. علاوه بر این، توزیع برخی از صورتها آن چنان الگوی پراکنده و پاره پاره ای پدید می آورند که پی بردن به جزئیات آن دشوار می نماید و نشان از پیچیدگی توزیع

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **(PPS)نشانه های آوایی** | | | | | | | | |
| **صامتها** | | | | | | **مصوتهای ساده** | | |
| **IPA** | **PPS** | **مثال** | **IPA** | **PPS** | **مثال** | **IPA** | **PPS** | **مثال** |
| B  t∫  d  f  g  h  j  dз  k  l  m  n  p  g  r  s | b  č  d  f  g  h  j  ĵ  k  l  m  n  P  q  r  s | **b**uz(بز)  **č**išm (چشم)  **d**e (در)  di**f**âl (دیوار)  **r**ē**g** (ریگ)  **h**εvεn (هاون)  **j**ag (یک)  **ĵ**igar (جگر)  **k**olong (کلنگ)  ba**l**k (برگ)  bâdo**m** (بادام)  n**ε**mak (نمک)  so**p**orz (شکم)  tow**q**âĵ (داس)  xoro**s** (خروس)  **s**obok(سبک) | ∫  t  v  x  z  з  ? | š  t  v  x  z  ž  ? | ?o**š**tor(شتر)  rex**t** (ریخت)  **v**â (باز)  mē**x** (میخ)  ne**z**dik (نزدیک)  **ž**en (ژن)  ba**?**d (بعد) | A  α  e  i  o  u  ε  e:  ø  o:  y | a  â  e  i  o  u  ε  ē  ö  ō  ü | b**a**lišt (بالش)  sol**â**x (سوراخ)  z**e**bun (زبان)  g**i**l (گل)  k**o**ft (کوبید)  m**u**št (مشت)  šen**ε** (شانه)  m**ē**x (میخ)  d**ö**l (سطل)  č**ō**b (چوب)  s**ü**zan(سوزن) |
| **مصوتهای مرکب** | | |
| aΩ  ej  aj  ou  əΩ | aw  ey  ay  ow  əw | č**aw** (چوب)  k**ey** (کی)  k**ay**k (کک)  s**ow**z (سبز)  k**əw**k(کبک) |

**جدول 1-** نشانه های آوایی

این اقلام دارد و تاییدی است قوی بر وجود طیف لهجه ای که پیشتر بدان اشاره رفت. برای به نمایش در آوردن یک چنین مواد پیچیده ای بر روی نقشه سعی شده است تا از معمولترین نشانه های آوانویسی که در کتابهای آوانویسی به زبان فارسی و برخی کتابهای دیگر آمده است، استفاده شود. فهرست این کتابها در کتابنامه آمده است. در صورت عدم دسترسی به نشانه مورد نظر، در چند مورد نشانه هایی وضع شده است. (جدول 1) نواحی توزیعی در روی نقشه ها به وسیله خط مرزهای زبانی یعنی خطوط مرزی میان دو ناحیه مجاور که به وسیله صورتهای زبانیی که در تقابل هستند، مشخص می شوند. خط مرزهای زبانی بر روی نقشه پایه ای منتقل شده که مرزهای مربوط به بخشهای مربوط به تقسیمات کشوری را نشان می دهند. لازم به تذکر است که این مناطق شماره گذاری شده اند و این شماره گذاری بخش به بخش و از شمال به جنوب و از شرق به غرب انجام شده است. برای نام بخشها نیز از نشانه های اختصاری استفاده شده است. مثلا با مراجعه به فهرست مناطق می توان دریافت که 1Am4 به روستای تقی آباد از بخش احمدآباد و 2Fr8 به روستای کته شمشیر در بخش فریمان اشاره دارد. در توضیحات پایین نقشه ها نیز از همین نشانه های اختصاری استفاده شده است.

خط مرزهای زبانی، در خط میانی واقع در بین دو نقطه مجاور که صورتهای زبانی در تقابل با یکدیگر را به نمایش می گذارند، ترسیم شده اند. ازاین رو، این خطوط دقیقا برخی شکافها را که درمیان دو ناحیه مشخص شده قرار دارند و در آنها صورتهایی وجود دارند یا ظاهر می شوند که در تقابل با یکدیگر هستند، به نمایش نمی گذارند، البته سعی بر این بوده است تا با هر چه نزدیکتر کردن فاصله بین نقاط مورد تحقیق – به حدود 5 تا 10 کیلومتر – این نقیصه تا حدی از بین برود.

تعداد 58 نقشه از 65 نقشه آوایی با نشانه های آوانویسی و سایر نقشه های آوایی و نیز نقشه های واژگانی، صرفی و نحوی نواحی مورد تحقیق با اعداد مشخص شده اند، بدین ترتیب، ناحیه ای که با عدد 1 مشخص شده است، نشان از آن دارد که تنها صورتی که در مقابل شماره 1 سمت راست بالای نقشه مشخص شده، در نقاط مورد تحقیق آن ناحیه به چشم می خورد. اگر صورتهای معرفی شده در سمت راست بالای نقشه در نقطه یا نقاطی از منطقه مورد تحقیق وجود نداشته باشد، آن نقطه یا نقاط با علامت x مشخص شده است (مثلا Ph8). معمولا در این مورد می توان در ضمیمه (2) توضیحاتی را ملاحظه کرد. گاه در برخی نقاط پاسخ ممکن دیگری به دست آمده که در روی نقشه در منطقه ای دیگر با برچسبی متفاوت و معین، مثلا 3 مشخص شده است. در این گونه موارد در سمت راست بالای نقشه در مقابل برچسب 3 علامتی مانند وجود دارد. حضور صورت 3 در نقطه ای از ناحیه 1 در روی نقشه باقرار دادن علامت که در مرکز آن یک نقطه قرار داده شده است، نمایش داده می شود، بدین ترتیب .. نشانه وجود هر دو صورت در آن نقطه است (مثلا L9). گاه بیشتر از دو صورت در نقطه ای مشاهده می شود که در این صورت علامت مربوط به امکان سوم بالای علامت مربوط به امکان دوم قرار دارد (مثلا L7).

در نقشه های مربوط به صورتهای زبانی واژگانی، کلمات به ترتیب الفبایی آمده اند. صورتهای فارسی میانه که در نقشه های آوایی و واژگانی به کار رفته اند از *فرهنگ فشرده پهلوی* تالیف مکنزی گرفته شده اند. توضیحاتی که در پایین نقشه ها آمده اند، نشان می دهند که آن بخش از صورت زبانی که در نقشه مورد نظر نبوده است، چه وضعیتی دارد، این توضیحات بیشتر به واژه های بیش از یک هجایی مربوط می شوند.

**7- تحلیل نقشه ها**

**7-1 تحلیل نقشه های آوایی**

نقشه های آوایی بخشی از سیر تحول نظام آوایی زبان فازسی از دوره میانه را به تصویر می کشد. نقشه Ph6 نشان می دهد که ā فازسی میانه تقریبا در نیمی از نقاط منطقه به صورت /a/ در آمده و در نیمی دیگر از نقاط به همان صورت / â/ باقی مانده است. در نقشه Ph10 ، dandân و در Ph11 (zabân)، هردو سیر تحول nā- فارسی میانه را به /on/ و /un/ در بیشتر نقاط منطقه و به /u/ در برخی از نقاط نشان می دهد. صورت های dig (Ph15) ، rig (Ph16) و mix (Ph17) نشان می دهند که /ē/ فارسی میانه (یای مجهول)، در برخی نقاط شمال و جنوب منطقه به صورت /i/ در آمده و در بیشتر نقاط به همان صورت /ē/ باقی مانده است.

نقشه مربوط به suzan (Ph28) الگوی پیچیده ای را به نمایش می گذارد؛ بدین ترتیب که /ō/ فارسی میانه در جنوب وبرخی نقاط نرکزی منطقه به /u/ و در سایر مقاط مرکزی به صورت / ü/ تبدیل شده است. نکته قابل توجه گسترش مصوت بسته پیشین گرد است که نشان می دهد این صورت در دوره ای در گذشته از صورت قبلی پدید آمده است. این امرصحت این نظر را مورد تردید قرار می دهد که این صورت و ی قرینه نیم بسته آن یعنی مصوت /ö/ در برخی نقاط مناطق مجاور ظاهرا تحت تأثیر زبان ترکی پدید آمده اند، چرا که در مناطق مورد تحقیق، ساکنان ترک زبان وجود ندارد. ذوقدار مقدم، 1368، ص83) ضمنا برخی از صورتهای آوایی و واژگانی نشانگر همگونی آوایی (vowel harmony) فعال در این منطقه است//no-mo-xor- ε در مقابل /ne-mi-xor-ad/ (نمی خورد)

**7-2تحلیل نقشه های واژگانی**

بخش واژگانی اطلس برای طیف وسیعتری از خوانندگان قابل استفاده است. این بخش، بویژه از این نظر که دیدگاهی تاریخی از ذخایر زبانی متنوع را به دست می دهد، قابل توجه است؛ ذخایری که به غنا و تنوع واژه های صورتهای زبانی موجود کمک می کنند و بار معنایی دقیقتری را با خود دارند. از این رو، پژوهشگران رشته های مختلف می توانند از آنها بهره ببرند.

**3-7 تحلیل نقشه های صرفی**

این نقشه ها دربردارنده برخی ضمایر، شناسه ها، پیشوندهای فعلی و برخی صورتهای فعلی دیگر است. man (M1) یعنی ضمیر اول شخص مفرد به صورتهای mo ، ma ، و me دیده می شود.

**4-7 تحلیل نقشه های نحوی**

در حالی که گونه های نحوی به نمایش در آمده در نقشه های صرفی کلا دارای ترتیب خطی ثابت هستند، گونه های نحوی ارائه شده در این بخش تاحدی الگوهای متفاوت مختلفی را که مربوط به ترتیب واژه ها در درون هر ساخت است، به نمایش در می آورند.

(S1) dar نشان می هد که در تمام نقاط منطقه صورتی که برای dar (حرف اضافه قبل از قید مکان به معنای داخل و درون) به کار می رود – اگر به کار رود – در جایگاهی ثابت یعنی قبل از قید مکان به کار می رود. در منطقه مورد بحث be صورت غالب است و می توان آن را در نقاط شمالی، جنوبی و بویژه نقاط مرکزی مشاهده کرد. در برخی نقاط مرکزی به جای صورت فوق از de استفاده می شود که گونه دیگری از آن یعنی d4 نیز در یک نقطه از جنوب منطقه به کار می رود. در برخی نقاط شمالی منطقه نیز به جای این صورت از هیچ صورت خاصی استفاده نمی شود. در یک نقطه از جنوب منطقه صورت t4 به کار می رود. bist-o-yekS2 نشانگر دو ترتیب مختلف در منطقه است، بدین ترتیب که در سراسر منطقه به تناوب گاه از صورت yag bist که ظاهرا صورت قدیمی تر است و گاه از صورت bist-o-yag استفاده می شود. و بالاخره taS3 که قید علت است در منطقه دارای صورت غالب Ø است (یعنی هیچ صورت زبانی به جای آن به کار نمی رود). در برخی از نقاط از ke و تنها در یک نقطه در جنوبی ترین قسمت منطقه از beray ke استفاده می شود.

در مجموع می توان گفت که این اطلس تصویری کلی از گفتار سخنگویان این منطقه را در این مرحله از تاریخ زبان فارسی به دست می دهد که با بررسی آن در می یابیم که چگونه برخی از الگوهای در تقابل در حوزه آواشناسی، واژگان، صرف و نحو کاملا مشخص هستند، در حالیکه برخی دیگر به شکلی پراکنده دیده می شوند. شاید در هیچ جای دیگر، به مانند نقشه های آوایی که بخش عمده اطلس را تشکیل می دهند، نتوان آن پیچیدگی را که در صورتهای استخراج شده؛ و توزیع آنها وجود دارد مشاهده کرد. در آنجا تنوع فوق العاده صورتها هرچند دشواریهایی را از نظر ترسیم نقشه ایجاد می کند، اما گونه گونی این جنبه مهم از گفتار سخنگویان معاصر را نشان می دهد و امکانات فراوانی را برای تحقیق و تفسیر بیشتر فراهم می آورد. باید گفت که داشتن دانشی از نظام آوایی اساس هرگونه مطالعه ای را درباره صورتهای زبانی تشکیل می دهد و این اطلس با اختصاص بخشی مهم به مشخصه های آوایی و ارائه مطالبی درباره تحول تاریخی آنها و صورتهای مورد استفاده آنها در گفتار زمان حاضر، از این نظر زمینه لازم را فراهم آورده است.

امید اینکه در آینده با انجام پژوهشهایی در ابعاد گسترده تر که طبعا نیروهای زیادی را چه از نظر کمی و چه کیفی می طلبد و محتاج امکانات و زمان بیشتری است، نه تنها اطلس زبانی زبان فارسی در ایران، بلکه اطلس مربوط به هرمنطقه دیگری که در آنجا به زبان فارسی تکلم می کنند، فراهم آید. اگر چنین پژوهشهایی صورت پذیرد، می توان با استفاده از اطلاعات به دست آمده می توان به غنای واژگانی زبانی فارسی کمک کرد و صورتهای زبانی جدیدی – بویژه در حوزه اصطلاحات علمی – را ابداع نمود.

**منابع**

ثمره، یدالله، *آواشناسی زبان فارسی،* مرکز نشر دانشگاهی، تهران، 1364.

جهانگیری، نادر، "لهجه شناسی و جغرافیا"، مجموعه مقالات سمینار جغرافی (شماره 1)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، مشهد، 1365، ص 379-387.

حق شناس، علی محمد، *آواشناسی،* انتشارات آگاه، تهران، 1356.

ذوقدار مقدم، رضا، "فارسی قوچانی"، *مجله زبان شناسی،* سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1368، ص 82-96.

سامارین، ویلیام، *زبانشناسی عملی: راهنمای بررسی گویشها،*ترجمه لطیف عطاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، بدون

تاریخ.

شفیعی، ناصر، *بررسی و توصیف گویش جام*، پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه

فردوسی مشهد، 1367.

صادقی، علی اشرف، "مجموعه مقالات مردم شناسی ویژه شناسایی گویشهای ایران (1)" (نقد و معرفی)، *مجله زبان-*

*شناسی،* سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان 1364 ، ص 103-105.

مدرسی، یحیی، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، مؤسسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، 1368.

مولوی، عبدالحمید، *آثار باستانی خراسان،* جلد اول: آثار و ابنیه تاریخی جام، نیشابور و سبزوار، انتشارات انجمن آثار

ملی، تهران، 1354.

یارمحمدی، لطف الله، *درآمدی به آواشناسی،* مرکز نشر دانشگاهی، تهران، 1364.

Chambers, J. K. & Trudgill, P. 1980. *Dialectology*, Cambridge: Cambridge University Press.

Crystal, D. 2003. *A Dictionary of Linguistics & Phonetics,* 5th edition, Oxford: Blackwell Publishing.

Hudson, R. A. 1980. *Sociolinguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Mackenzie, D. N. 1972. *A Concise Pahlavi Dictionary,* Oxford: Oxford University Press.

Orton, H., Sanderson, S. & Widdowson, J. (eds.). 1978. *The Linguistic Atlas of England.* [474

maps]. Croom Helm.

Petyt, K. M. 1980. *The Study of Dialect,* London: The Trinity Press.

Trudgill, P. 1984. *Sociolinguistics,* Harmondsworth, Middlesex: Penguin.